

فرا تر از روش ها: به سوی رویکردی مبتنی بر شواهد برای آموزش زبان

الساندرو بناتی

دانشگاه هنگ کنگ، چین

این مقاله این دیدگاه را که آموزش زبان باید مبتنی بر شواهد و اصول باشد عرضه می کند. حقایق اصلی اکتساب زبان دوم جهت برجسته کردن پیامدهای اصلی برای آموزش زبان ارائه خواهد شد. یک رویکرد اصولی و مبتنی بر شواهد در آموزش زبان روشی است که موارد زیر را در نظر می گیرد: (۱) درک صحیح از اینکه زبان چیست (۲) درک روشنی از اینکه ارتباط به چه معناست (۳) رویکردی موثر برای تمرکز بر فرم روشی است که فرم و معنی را به هم پیوند می زند و از ورودی به تمرین خروجی می پردازد. (۴) ورودی ماده اصلی در اکتساب زبان است و زبان آموزان زبان دوم نیاز دارند در طی آموزش در معرض ورودی قابل فهم و معنی دار زبان قرار گیرند. (۵) فعالیت های تعاملی ممکن است نقش تسهیل کننده در اکتساب زبان دوم داشته باشد.

خودکارآمدی، تأمل و فرسودگی شغلی در میان معلمان ایرانی زبان انگلیسی به عنوان

زبان خارجی: نقش میانجی تنظیم هیجانی

جلیل فتحی

دانشگاه کردستان، ایران

وینست گرینیر

دانشگاه ابردن، انگلستان

علی درخشان

دانشگاه گلستان، ایران

در راستای گسترش تحقیقات انجام شده بر روی متغیرهای مربوط به معلمان، پژوهش حاضر به بررسی الگوی ساختاری میان متغیرهای تأمل، خودکارآمدی، فرسودگی شغلی و تنظیم هیجانی معلمان ایرانی زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی پرداخته است. علاوه بر این، با فرض اینکه تنظیم هیجانی نقش میانجی در رابطه بین تأمل و خودکارآمدی معلمان با فرسودگی شغلی آنها ایفا می کند، یک مدل میانجیگری مورد بررسی قرار گرفت. به منظور ارزیابی روابط فرضی میان متغیرهای مذکور، از روش مدل سازی معادلات ساختاری استفاده گردید. برای جمع آوری داده های مورد نیاز پژوهش حاضر، پرسشنامه های

خودکارآمدی معلم، تأمل معلم، فرسودگی شغلی معلم و تنظیم هیجانی میان ۲۳۸ معلم ایرانی توزیع شدند. برازش پرسشنامه‌های مورد استفاده و مدل ساختاری فرضی از طریق نتایج تحلیل عاملی تأییدی مورد تأیید قرار گرفت. با توجه به نقش محوری وضعیت عاطفی معلمان در نحوه برخورد آنها با ابتکارات اصلاحی، امید آن می‌رود که نتایج پژوهش حاضر بتواند به درک معلمان از چگونگی به کار بستن اقدامات لازم برای نظارت بر وضعیت هیجانی خود در فضاهاى آموزشى بینجامد. با توجه به یافته‌های پژوهش، همچنین انتظار می‌رود که دوره‌های تربیت معلم انگلیسی به عنوان زبان خارجی، استراتژی‌های عملی‌تری را برای افزایش باورهای خودکارآمدی، تنظیم هیجانی و تأمل برای معلمان پیش از خدمت در نظر بگیرند.

عوامل تأثیرگذار بر شناخت و فعالیت های کلاسی معلمان مرتبط با تدریس مهارت شنیدن در مدارس

خصوصی زبان در ایران

مرتضی باقری

مارتین ایست

دانشگاه اوکلند، نیوزیلند

در چهار دهه گذشته بررسی آگاهی معلمان به طور کل و عوامل تأثیرگذار به صورت خاص توجه محققین را به خود جلب کرده است. تحقیق پیش رو به بررسی تأثیر برخی از این عوامل بر آگاهی معلمان و فعالیت های کلاسی آنها در ارتباط با تدریس مهارت شنیدن در ایران پرداخته است. کلیه داده ها در طول چهار ماه در مدارس خصوصی زبان در ایران جمع آوری شده است. هشت معلم برای ۶۴ مرتبه مورد مشاهده قرار گرفتند و ۳۲ مصاحبه انجام گرفت. یافته ها نشان می‌دهد عوامل محیطی به همراه متغیر های زبان آموزان و تجربه معلمان به ترتیب به عنوان مؤثرترین عوامل در شکل دهی آگاهی معلمان و فعالیت های کلاسی مربوط به شنیدن تأثیرگذار بودند. آموزش معلمان به عنوان عامل چهارم قرار گرفت. چند توصیه برای بهبود بخشیدن تدریس مهارت شنیدن وجود دارد. اینها شامل اهمیت تجربه معلمان در بهبود آموزش معلمان و آگاهی به تأثیرات منفی برخی از عوامل محیطی بر تدریس می باشد.

کاوش در همسویی برنامه درسی از طریق تجزیه و تحلیل اسناد درسی: از سیاست زبان ملی تا

اجرای محلی آموزش زبان انگلیسی

انتونی وترینگ

هانگلین چن

مارک فرزر

دانشگاه وولانگانگ، استرالیا

طراحی موثر سند برنامه درسی منوط به همسویی بین اهداف یادگیری، اصول تدریس و سیاست برنامه درسی است. بیشتر کارهای مربوط به طراحی برنامه درسی در زمینه آموزش زبان انگلیسی بر اجرای اصول آموزش زبان مانند اصول آموزش ارتباطی زبان متمرکز است. توجه محدودی به این همسویی شده است، در حالی که برای اطمینان از انسجام و سازگاری بین نتایج مورد نظر، انتخاب و سازماندهی محتوا و فعالیت های ارزیابی، این همسویی نقش محوری دارد. این مطالعه با استفاده از تجزیه و تحلیل کیفی سند، عناصر اصلی برنامه درسی و همسویی آنها با رویکردهای آموزشی فعلی را در دوازده برنامه درسی محلی آموزش زبان انگلیسی مشخص می کند. با استفاده از عناصر تجزیه و تحلیل روش های ریچاردز و راجرز (۲۰۱۴) و طرح درسی نونان (۱۹۸۸)، تجزیه و تحلیل نشان می دهد که در حالی که اصول آموزش ارتباطی زبان در برنامه های درسی گنجانده شده است، عدم انطباق ها، مانند مواردی که بین اهداف مورد نظر و فعالیت های ارزیابی قرار دارند، باقی مانده اند. این مقاله چارچوبی تحلیلی جهت راهنمایی معلمان در طراحی یک برنامه درسی همسوتر را ارائه می دهد به گونه ای که ارتباطات آن قابل مشاهده باشد.

صداهایی که شنیده می شوند، صداهایی که دیده می شود:

از عادات کلاسی گرفته تا داستان های دیجیتالی که ارزش اشتراک گذاری دارند

جان ال لیوناس

پاتریک مانیون

دانشگاه فلوریدای جنوبی، آمریکا

این مقاله مزایای مهم قصه گویی دیجیتال را برای معلمان و دانش آموزان ارائه می دهد. به حداکثر رساندن شرایط نویسندگی چند حالتی برای یادگیری بهینه آنلاین / آفلاین، هسته اصلی مقاله را تشکیل می دهد. در سرتاسر مقاله بیان می شود که داستان

هایی که ارزش گفتن دارند، داستانهایی هستند که ارزش اشتراک گذاری دارند اما فقط در صورتی که در قالب ساختارهای گفت و گویی باشند که حامی پیگیری های اصیل می باشند. ملاحظات عملی مهم برای درک قصه گویی دیجیتال و کاربردهای متنوع آن، همراه با توصیه های آزمایش شده در کلاس برای سازه های دیجیتال، و سپس به دنبال آن هفت مفهوم آموزشی که نیاز به توجه متمرکزتر دارند، ارائه شده است. چنین نتیجه گرفته می شود که دانش آموزان واقعاً قادرند خود را از مصرف کنندگان منفعل فناوری به سازندگان فعال ترکیبات دیجیتال، یک صدا، یک داستان در یک زمان تبدیل کنند.

نوسانات انگیزشی در طی فرایند آموزش زبان انگلیسی به شیوه فعالیت محور به زبان آموزان

نوجوان ایرانی

افسانه محمدزاده

پرویز علوی نیا

دانشگاه ارومیه، ایران

در دهه های اخیر محققان توجه روزافزونی به مقوله آموزش فعالیت محور بویژه در حوزه پژوهش در فراگیری زبان دوم داشته اند. به نظر می رسد نقش انگیزش به عنوان یکی از عوامل بسیار تأثیرگذار در فرایند یادگیری فعالیت محور آنگونه که باید توسط پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت مورد توجه قرار نگرفته و این غفلت و بی توجهی هنگام پرداختن به تأثیر نوسانات انگیزشی در آموزش فعالیت محور نمود بیشتری پیدا می کند. با علم به این شکاف موجود در زمینه مطالعات مرتبط با نقش انگیزش در عملکرد فعالیت محور زبان آموزان، محققان حاضر بر آن شدند تا به کاوش در خصوص ماهیت پویا و سیال انگیزش در یادگیری زبان خارجی در فرایند آموزش فعالیت محور در طی یک جلسه درسی و نیز در طول جلسات درسی متوالی در یک بازه زمانی شش هفته ای بپردازند. لذا پس از انتخاب نمونه آماری متشکل از هفت یادگیرنده زبان از رده سنی نوجوانان، محققان حاضر به جمع آوری داده ها با استفاده از طرح درسهای مبسوط، مصاحبه با افراد انتخاب شده پس از هر جلسه کلاسی و نیز ابزار انگیزش سنج موسوم به موتومتر در فواصل پنج دقیقه ای در طول یک جلسه به منظور بدست آوردن اطلاعات در خصوص نوسانات انگیزشی زبان آموزان پرداختند. تحلیل کمی و کیفی داده ها نشان داد که انگیزش زبان آموزان نه تنها در طی یک جلسه بلکه در طول جلسات متمادی دستخوش تغییراتی گردید. همچنین یافته های تحقیق حاکی از آن بود که عوامل دخیل در این تغییرات با ویژگیهای فعالیت، اجرای فعالیت و نیز تفاوت های فردی مرتبط بودند. در مقاله حاضر محققان به بحث در خصوص کاربردهای یافته های حاصله از این پژوهش خواهند پرداخت.

موانع عملکرد پژوهشی در آموزش عالی: دیدگاه آموزش زبان انگلیسی در ایران

مسعود رحیمی

نورالدین یوسفی

شهاب مرادخانی

دانشگاه رازی، ایران

در حالی که مطالعات در زمینه عملکرد پژوهشی پژوهشگران در آموزش عالی به وفور یافت می شود، مطالعات اندکی در رابطه با موانع عملکرد پژوهشی در آموزش زبان انگلیسی در آموزش عالی انجام شده است. با استفاده از طرح تحقیق کیفی، مطالعه حاضر به بررسی موانع عملکرد پژوهشی در آموزش زبان انگلیسی در آموزش عالی پرداخته است. برای این منظور، ۱۰ دانشجوی کارشناسی ارشد، ۱۰ دانشجوی دکتری و ۱۰ نفر از استادان دانشگاه در حوزه آموزش زبان انگلیسی در دانشگاه های مختلف دولتی در ایران در تحقیق حاضر شرکت کردند. توصیف روایتی ساختاری برای جمع آوری داده های اولیه استفاده شد، سپس یک مصاحبه نیمه ساختاری با هر یک از شرکت کنندگان انجام شد تا نتایج توصیف روایتی ساختاری را بهبود بخشد و دانش عمیق تری در رابطه با شیوه های تحقیق شرکت کنندگان به دست آورد. نتایج تجزیه و تحلیل داده ها، تعدادی از تم ها و مقوله های مربوط به تحقیقات دانشجویان کارشناسی ارشد، دانشجویان دکتری و اساتید دانشگاه در حوزه آموزش زبان انگلیسی را نشان داد. مسائل مربوط به پروژه های تحقیقاتی، مشارکت ناچیز و فشارهای محیطی از جمله مقوله های به دست آمده بودند که هر مقوله شامل چندین تم مرتبط بود. یافته ها با توجه به پیشینه پژوهش و عملکرد پژوهشی در آموزش عالی مورد بحث قرار گرفته و پیامدهای آن برای پژوهش در آموزش عالی پیشنهاد شده است.

تأثیر آموزش مستقیم، ضمنی، و ترکیبی بر فراگیری و یادآوری واژگان از راه خواندن در زبان

آموزان ایرانی

شیوا کیوان پناه

دانشگاه تهران، ایران

اسحق اکبریان

دانشگاه قم، ایران

حمید سلیمی

پردیس البرز، دانشگاه تهران، ایران

پژوهش حاضر بر آن است که تأثیر سه شیوه آموزش واژگان، یعنی آموزش مستقیم، ضمنی، و ترکیبی (ترکیبی از شیوه مستقیم و ضمنی) بر میزان فراگیری و یادآوری واژگان از طریق خواندن بر روی زبان آموزان ایرانی را بررسی کند. زبان آموزان مبتدی و پیشرفته (۱۲۰ نفر) به روش نمونه‌گیری قابل دسترس انتخاب شدند و به صورت تصادفی به سه گروه (کلاس شش گروه) تقسیم شدند. به زبان آموزان گروه آموزش مستقیم فعالیت‌های مربوط به افزایش آگاهی نسبت به واژگان و تولید واژه داده شد. غنی کردن داده‌ها، شامل ارایه نمونه‌های متفاوت از یک ساختار یا مقوله زبانی، در اختیار گروه آموزش ضمنی قرار گرفت. در مقابل، گروه سوم، یعنی شیوه آموزش ترکیبی، آمیخته‌ای از فعالیت دو گروه فوق را دریافت کردند. میزان فراگیری واژگان توسط افراد شرکت‌کننده در پژوهش، با آزمون‌هایی که معلمشان طراحی کرده بود مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفت. نتایج بدست آمده نشان داد که که زبان آموزان گروه آموزشی مستقیم و ترکیبی نسبت به زبان آموزان شیوه ضمنی، عملکرد بهتری در فراگیری و یادآوری واژگان از خود نشان دادند. این بدان معناست که فعالیت‌های آگاهی بخش و تولید محور به فراگیران زبان کمک می‌کند تا به کلمات دقت بیشتری کرده، بهتر یاد گرفته، و آنها را به خاطر بسپارند. در پایان، این یافته با توجه به نتایج حاصل از پژوهش‌های پیشین در این حوزه مورد بحث قرار می‌گیرد. همچنین، تأثیرات حاصل از این پژوهش، برای معلمان و مدرسان، تهیه کنندگان مواد درسی، و طراحان برنامه‌های درسی مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس حوزه‌های جدیدی برای تحقیق و پژوهش بیشتر، معرفی می‌گردد.